

نقش سرمایه اجتماعی در پایداری نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران

رضا عیسی‌نیا*

چکیده

نویسنده تلاش کرده در قالب چارچوب نظری سرمایه اجتماعی پاتنام - یعنی رژیم‌های سیاسی عامل کاهش یا افزایش سرمایه اجتماعی قلمداد می‌شوند - و با استفاده از روش آینده‌پژوهی نقشه راه، به نقش و جایگاه مسأله اعتماد به عنوان یکی از عناصر مهم سرمایه اجتماعی در حفظ و تداوم پایداری نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران بپردازد و به این نتیجه رسیده است که در چهار دهه گذشته، با کاهش اعتماد در سطوح سه‌گانه؛ به‌ویژه سطح رجال و شخصیت‌ها و سطح نهادها، چالش‌هایی برای جمهوری اسلامی ایجاد شده است که اگر چاره‌اندیشی نشود با چالش‌های جدی‌تری در بخش بحران مشروعیت مواجه خواهیم شد.

کلیدواژه‌ها

سرمایه اجتماعی، اعتماد، جمهوری اسلامی ایران، پایداری، شخصیت‌ها.

مقدمه

سرمایه اجتماعی که بعد از سرمایه مادی یا فیزیکی، سرمایه مالی یا اقتصادی و سرمایه انسانی؛ به‌عنوان چهارمین مرحله از حلقه تکاملی سرمایه است (دادگر و نجفی، ۱۳۸۵: ۱۴)، امروزه از جایگاه خاصی در امر توسعه و پایداری نظام‌های سیاسی برخوردار شده است؛ بنابراین جامعه‌ای که به سرمایه اجتماعی توجه نداشته باشد. بقیه سرمایه‌ها، یعنی سرمایه فیزیکی، مالی و انسانی را نیز به هدر خواهد داد و آنها را ابتر خواهد گذاشت. با عنایت به چنین جایگاهی که سرمایه اجتماعی دارد، می‌توان این پرسش را مطرح کرد که سرمایه اجتماعی در تداوم پایداری نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران چه نقشی را ایفا می‌کند؟ اگر ما سرمایه اجتماعی را شامل، شبکه‌ها، هنجارها، پیوندها و اعتماد اجتماعی بدانیم (دادگر و نجفی، ۱۳۸۵: ۱۴) و اعتماد اجتماعی را یکی از عناصر مهم و تعیین‌کننده سرمایه اجتماعی محسوب کنیم، این سؤال مطرح می‌شود که در جمهوری اسلامی ایران، اعتماد مردم به اشخاص (رجال سیاسی)، نهادها و نظام سیاسی به چه میزانی است و این اعتماد چه اندازه در تداوم پایداری نظام سیاسی نقش آفرینی می‌کند؟

از آنجایی که چارچوب نظری متخذ این مقاله را نظریه سرمایه اجتماعی پاتنام پوشش می‌دهد؛ یعنی رژیم‌های سیاسی عامل کاهش یا افزایش سرمایه اجتماعی قلمداد می‌شوند. چون اگر میان شهروندان و نظام سیاسی اعتماد متقابل نباشد، شهروندان دولت را مقصر خواهند دانست و مشارکتی در حل امور و مشکلات نخواهند کرد و از طرف دیگر، دولت بر شهروندان از راه زور و اجبار حکومت خواهد کرد و از چهره‌های سه‌گانه دیگرش، یعنی چهره خیر و نیکوکاری یا تأمین اجتماعی، چهره ایدئولوژی یا توجیه‌گر و چهره خصوصی یا مکار (بشیریه، ۱۳۸۰: ۸۵) بهره‌ای نخواهد برد. از این‌رو، به دلیل سنگین شدن وظایف دولت و عدم مشارکت شهروندان در وظایف شهروندی‌شان، دولت نخواهد توانست از عهده انجام وظایفش به‌خوبی برآید و در نتیجه، به‌خاطر بی‌اعتمادی شهروندان؛ دولت مشروعیتش را از دست خواهد داد؛ چون شهروندان نسبت به کارهای دولت بدبین شده و او را از خود نخواهند دانست و کاهش اعتماد، سبب زوال نظام سیاسی خواهد گردید. نویسنده مقاله تلاش کرده چارچوب نظری فوق را با استفاده از روش آینده‌پژوهی نقشه راه، در محورهای سه‌گانه:

۱. روندها و پیشران‌های اعتماد و بی‌اعتمادی ۲. پویش منابع ۳. آینده مطلوب (قدیری،

بی تا: ۵ و ۱۴). و متصور از اعتماد در جمهوری اسلامی ایران دنبال کند. آینده پژوهی به ما کمک می کند تا برای تداوم پایداری نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران، خطرها، چالش ها و در نهایت؛ بحران ها را در حوزه فقدان یا تضعیف سرمایه اجتماعی شناسایی کرده و برای مقابله با بیم هایی که در رابطه با بی اعتمادی، فقدان انسجام و نبود مشارکت در آینده با آن مواجه خواهد شد، راه کارهایی را ارائه نماید.

بیان مسأله

اگر دولت ها، حکومت ها یا نظام های سیاسی بتوانند در الزام سیاسی یا « political Obligation» که در فارسی به تعهد و تکلیف سیاسی نیز ترجمه می گردد؛ موفق باشند، نتیجه اش ثبات، تداوم و پایداری نظام سیاسی خواهد بود؛ نتیجه ای که تمامی دولت و نظام های سیاسی به دنبال آن بوده و هستند؛ یعنی دولت ها چه کاری باید انجام دهند تا شهروندان به قوانین و دستورات دولت ها گردن نهند و اطاعت پذیری داشته باشند (جعفری، ۱۳۸۶: ۷۵). با عنایت به این نکته، باید اظهار داشت که پایداری و بقا دولت ها یا حکومت ها، پدیده دیرپایی است که دغدغه و مسأله همه مکاتب اعم از اسلامی و غیراسلامی بوده است. مثلاً حضرت علی علیه السلام نشانه زوال دولت ها را در چهار چیز؛ یعنی ضایع نمودن اصول، روی آوردن به فروع، مقدم داشتن فرومایگان و به حاشیه راندن متفکران (دانشنامه امام علی ۷، ۱۳۸۰: ۸۳) و یا کنفسوسیوس، بقای دولت را بر سه شرط: ۱- شرط غذا ۲- شرط تسلیحات ۳- شرط اعتماد استوار می داند (تنهایی ۱۳۷۲: ۷۳). خلاصه این که پایداری حکومت ها و نظام های سیاسی برای ما انسان ها همیشه مسأله بوده است که امروزه با شدت و قوت بیشتری دنبال می گردد.

ضرورت

نظام های سیاسی به مشروعیت - یعنی همسوبودن دو اراده - نیازمند هستند؛ چه این مشروعیت بر پایه نظریه قهر، قرارداد اجتماعی، مشروعیت الهی، وراثت و سنت، نظریه رضایت، اراده عمومی، عدالت و نظریه سعادت تفسیر و تحلیل شود و چه با نظریه سرمایه اجتماعی، ولی از آن جایی که امروزه سرمایه اجتماعی یکی از آن نظریه هایی است که

مدعی است که بقاء، پایداری و مشروعیت نظام‌های سیاسی متوقف بر تحقق عناصر سه‌گانه آن (اعتماد، انسجام و مشارکت) است. بنابراین، اگر شهروندان از حکومتی راضی بودند، اطاعت، وفاداری یا الزام سیاسی با صرف کمترین هزینه اتفاق خواهد افتاد. پس ضرورت دارد که با بررسی وضعیت مطلوب سرمایه اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران و وضعیت موجود آن به فاصله بین آن دو دست پیدا کنیم تا بتوانیم از بحران مشروعیت یا بحران پایداری جلوگیری نماییم.

۱. روندها و پیشران‌ها

اگر ما سرمایه اجتماعی را یک بسته سه جزئی؛ یعنی اعتماد، مشارکت و انسجام بدانیم، آن وقت می‌توان بحث کرد که برخی از پیشران‌های مشارکت که عبارتند از: ۱. آزادی فعالیت مدنی ۲. بسته‌نبودن راه‌تشکل‌ها و نهادهای مستقل از قدرت ۳. حجم‌نبودن دولت ۴. میزان مشارکت غیررسمی افراد در امور خیریه در جمهوری اسلامی ایران مانند: شرکت در امور خیریه‌ای همچون جشن عاطفه‌ها، جشن نیکوکاری و یا هیات‌های مذهبی یا بیشتر بوده و یا با شور و حرارت بیشتری نسبت به میزان مشارکت رسمی افراد در کارهایی مثل انتخابات در ایران است و یا برخی از پیشران‌های انسجام اجتماعی را صداقت، درست‌کاری، وفای به عهد و انصاف بدانیم. چون انسجام اجتماعی را توافق جمعی میان اعضاء یک جامعه که حاصل پذیرش و درونی کردن نظام ارزشی و هنجارهای است، می‌دانیم و یا پیشران‌های اعتماد را امنیت، آزادی و عدالت نام ببریم. بحث این است که چرا این پیشران‌ها مؤثر واقع نمی‌شوند؟ و چرا شهروندان جمهوری اسلامی ایران به درجه‌ای از بی‌اعتمادی رسیده‌اند؟

۲-۱. اعتماد اجتماعی به عنوان یکی از ابعاد سرمایه اجتماعی

قبل از پرداختن به زمینه‌ها و علل بی‌اعتمادی، بهتر است که به جایگاه اعتماد اشاره‌ای اجمالی داشته باشیم. مطالعات تجربی بیانگر این مطلب است که سرمایه اجتماعی^۱ بر رشد

1. social capital

اقتصادی، کاهش فساد اداری، بهبود کارکرد قوای سه گانه حکومتی و ارتقاء همکاری بین کارگزاران را موجب می‌شود. مفهوم اعتماد از اجزای اصلی سرمایه اجتماعی و یکی از عناصر و منابع سه گانه سرمایه اجتماعی به‌شمار می‌آید؛ چون سرمایه اجتماعی به جنبه‌هایی از زندگی اجتماعی از قبیل: شبکه‌های ارتباطات، سطوح بالای اعتماد و هنجارهای همکاری (پاتنام، ۱۳۹۲: ۲۸۷) و روابط متقابل اشاره دارد و به عبارت دیگر، سرمایه اجتماعی از مجموعه هنجارها و ارزش‌های موجود در سیستم فکری، علمی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه منتج می‌شود؛ ارزش‌ها و هنجارهایی که حاصل تاثیر شخصیت‌ها و نهادهای گوناگون از جمله نهادهای اقتصادی و اجتماعی است. بنابراین، اگر سرمایه اجتماعی در جامعه حایز اهمیت باشد و وجود داشته باشد، در آن جامعه شاهد تعامل اجتماعی-همکاری و همیاری میان اعضای جامعه، اعتماد متقابل و مشارکت بالا یا احساس هویت جمعی و گروهی خواهیم بود ولی نبود سرمایه اجتماعی فاجعه‌هایی را در جامعه ایجاد خواهد کرد و به عبارتی، اگر اعتماد در جامعه متزلزل، رو به افول و کاهش باشد، آن وقت متأسفانه باید گفت که شاهد تبعیض، نابرابری و بی‌عدالتی، مهاجرت بی‌قواره، فقدان مشارکت، افزایش انحرافات و ناهنجاری‌ها، شکاف‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، قومیتی، جنسیتی، مذهبی و هزاران مشکل دیگر در ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و امنیتی خواهیم شد که همه اینها موجب می‌گردد تا دولت از دسترسی به کارکرد چهارگانه‌اش؛ یعنی انطباق، نیل به هدف، همبستگی حقوقی و حل منازعه و همبستگی فرهنگی محروم شود؛ در عوض، همان‌طوری که گفته شد اعتماد موجب می‌گردد روابط میان افراد به اندازه کافی عمیق باشد تا سرمایه اجتماعی مطلوب ایجاد شود. نتیجه این که می‌توان گفت: اعتماد اجتماعی هم منبع سرمایه اجتماعی است و هم نتیجه سرمایه اجتماعی. چون اگر سرمایه اجتماعی در صورتی که به اندازه کافی وجود داشته باشد اعتماد میان افراد را تقویت می‌کند و به عبارتی، اعتماد همان سرمایه اجتماعی است؛ چون اعتماد، از دو منبع هنجارها و شبکه‌های مشارکت مدنی و شبکه‌های روابط، ناشی می‌شود (دادگر و نجفی، ۱۳۸۵: ۱۴).

مقوله اعتماد و بی‌اعتمادی در هر یک از ابعاد و سطوح سه گانه اقتصادی، سیاسی و قضایی برای شهروندان جمهوری اسلامی ایران می‌تواند حائز اهمیت دو چندان باشد؛ چون

بدون سرمایه اجتماعی، حفظ و تداوم پایداری برای جمهوری اسلامی برای دست‌یابی به توسعه و تکامل فرهنگی، سیاسی، اقتصادی ناهموار و دشوار خواهد بود و بدون سرمایه اجتماعی، جمهوری اسلامی ایران برای نیل به اهدافش باید هزینه‌های زیاد و گزافی را متحمل شود.

۲-۲. اعتماد و بی‌اعتمادی مردم نسبت به رجال و شخصیت‌های سیاسی، نهادهای

حکومتی و نظام سیاسی

از آن جایی که اعتماد یک عمل یک طرفه نیست (گیدنز، ۱۳۸۴: ۱۷۶ و درخشه، ۱۳۹۴: ۵۳-۷۲) بلکه عمل دوجانبه است و مشتمل دو جزء اعتمادکننده و اعتمادشونده می‌باشد، هر دو طرف باید در پذیرفتن یا شکستن اعتماد دست به انتخاب بزنند (کلمن، ۱۳۷۷: ۲۷۱). از این رو، اعتماد یا بی‌اعتمادی مردم و شهروندان جمهوری اسلامی ایران از شخصیت‌های سیاسی یک ذهنیت مثبتی بر توطئه نیست بلکه حتماً رجال سیاسی دست به اقدامی زده‌اند که منجر به اعتماد یا بی‌اعتمادی گشته است؛ چون همان‌گونه که اعتماد موجب کاهش شکاف بین حاکمان و شهروندان و افزایش وفاداری شهروندان در مقابل قوانین و توانمندتر شدن نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران خواهد شد، «بی‌اعتمادی نیز مردم را از مشارکت در انواع مناسب تجربه اجتماعی باز می‌دارد» (پاتنام، ۱۳۹۲: ۲۹۲) و در بعد سیاسی اعتماد یا بی‌اعتمادی، شاهد این خواهیم بود که پای‌بندی و وفاداری یا الزام سیاسی با هزینه بسیار زیادی تحقق یابد یا در بعد قضایی قانون‌مداری وضعیت خاصی پیدا کند.

در باب بی‌اعتمادی به رجال و شخصیت‌ها، می‌توان به عوامل زیادی اشاره داشت؛ یکی از آن عوامل، عملکرد شخصیت‌های کشوری و لشکری و معرفی آنها از جانب دولت و دولت‌مردان می‌باشد. مثلاً در این چهار دهه از جمهوری اسلامی به دفعات زیادی اتفاق افتاده که شخصیتی برای رسیدن به مناصب حکومتی، شخصیت دیگر را وطن‌فروش، غرب‌زده، انگلیسی یا امریکایی معرفی نموده یا اسلام او را اسلام امریکایی معرفی کرده و آن دیگری، این را متحجر و سنتی قلمداد کرده و در درگیری این دو؛ عده‌ای نیز واقعاً به تاراج وطن پرداخته‌اند با این که چهره‌ای مذهبی؛ البته فرمالیستی داشته‌اند و در پست‌های

حساس مملکتی اعم از معاون اول رئیس جمهوری مشغول به کار بودند ولی بعدها معلوم شد که میلیاردها اختلاس کرده است و یا آن فرد رئیس جمهور بوده و به خاطر اختلافی که با دیگری داشته، دست به افشاگری زده و دیگر شخصیت‌های قوای قضائیه یا مقننه را به مواردی متهم می‌کند و مردم هم شاهد این مجادلات‌اند؛ اگر چه در این میان عده‌ای نیز از آب گل‌آلود استفاده‌های خود را برده‌اند و به شدت اختلافات با شایعات خاص می‌افزایند. ولی نتیجه و پیامدهای این منازعات مسئولین به ضرر نظام خواهد بود؛ چرا که تا شهروندان بخواهند تشخیص دهند که چه چیزهای درست یا غلط است، نظام هزینه‌های زیادی را داده است؛ چون این مطالب از زبان صداهای بیگانه بیرون نیامده است بلکه خود مسئولین کشور چنین آتشی را برافروخته و آمارهایی از انواع فساد اقتصادی، قضایی، سیاسی و اداری را در زمان‌های مختلف به‌ویژه در هنگام انتخابات ارائه و در اذهان ملت جای داده‌اند و ملت نیز در تردید می‌ماند که چه کسی درست می‌گوید و چه کسی اشتباه و یا مغرضانه این حرف‌ها را می‌زند و یا آیا اصولاً چنین عمل ناشایستی از طرف دولت مردان اتفاق افتاده است؟ تنها نتیجه‌ای که از این حوادث، گزارشات، مسائل و مناقشات نصیب مردم می‌گردد، عدم اعتماد به شخصیت‌ها و نهادها خواهد بود که در ادامه نوشتار به نمونه‌هایی از سخنان مسئولین کشور اشاره می‌کنیم که این مباحث و مسائل در مناقشاتی که برای کسب کرسی قدرت در زمان انتخابات داشته‌اند، از شعارهای انتخاباتی برخی از کاندیداها بیرون آمده است و عدم تحقق آنها و یا عدم توانایی آنان در اجرایی کردن آن شعارها در کنار دیگر مشکلات دست به‌دست هم داده است تا تصویری از ناکارآمدی نهادها و مسئولین برای مردم ایجاد و منجر به بی‌اعتمادی آنان شود.

برخی از شعارهایی که کارگزاران و مسئولین نظام در باب حل مشکلات جمهوری اسلامی ایران اعلام داده‌اند عبارتند از این که: مشکل بیکاری یا مشکل پارتی‌بازی و رانت‌خواری را حل خواهیم کرد یا با پدیده بی‌عدالتی و قاچاق مبارزه خواهیم کرد و یا اقتصاد این مرز بوم را اسلامی خواهیم کرد و مواردی مانند آنها. ولی با تأسف باید گفت که نه تنها به این اظهارات عمل نشد بلکه برعکس آن عمل شد. از باب نمونه به مواردی از شعارهایی که کاندیداها در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۴ برای حل مشکلات داده شده، اشاره می‌شود تا مشخص گردد؛ اولاً خود مسئولین به چه مشکلاتی واقف هستند؛ ثانیاً

چه اندازه توانسته‌اند آن مشکلات را حل کنند تا مردم امید به رجال، نهادها و نظام داشته باشند.

۲. علی لاریجانی و شعارهای انتخاباتی وی

۱. «انقلاب اسلامی آمد تا شرایط رقت‌بار گذشته را تغییر دهد نه این که قشر عظیمی از جامعه را با مشکلات جدید روبه‌رو سازد» (۸۴/۳/۱۱).
۲. معضل بیکاری؛ این مشکل در ایران قابل حل است البته با مدیرانی که پست‌ها و مسندها را طعمه برای خود قرار ندهند (۸۴/۳/۱۱). لاریجانی مبارزه با فقر، فساد و تبعیض را مهم‌ترین اولویت‌های کاری «دولت امید» عنوان کرد. او تصریح نمود که براساس آمارهای موجود، حدود ۴/۵ میلیون نفر در کشور بیکار هستند که این میزان نسبت به جمعیت کشور زیاد هستند. لذا برای حل این مشکل، سالانه نیاز به تولید ۸۰۰ هزار شغل دارد در حالی که رقم تولید کشور هم‌اکنون در این زمینه سالانه حدود ۴۵۰ هزار است (۸۴/۳/۲۴).
۳. وجود تبعیض در جامعه؛ داستان دانه‌درشت‌ها و آقازاده‌ها (۸۴/۳/۱۱) و همچنین عقد قرارداد موقت با کارگران می‌باشد و همچنین استفاده نکردن از نیروهای شایسته و خلاق بومی در مناطق مختلف کشور از دیگر تبعیض‌ها می‌باشد (۸۴/۳/۲۴).
۴. مدیران باید خداترس باشند و گرنه مدیرانی که خدا ترس نباشند، مطمئناً به مردم ظلم خواهند کرد (۸۴/۳/۲۱).
۵. مشکل تورم: مردم از تورم دل‌شان به درد آمده است و مشکل معیشتی دارند (۸۴/۳/۲۱).
۶. امروز در زمینه اجرای عدالت، مشکل داریم و مساله بی‌عدالتی، تبعیض و رشوه‌خواری در کشور ما وجود دارد و این‌هاست که چهره نظام ما را زشت نشان می‌دهد (۸۴/۳/۱۲).
۷. بزرگ‌ترین آفت جامعه حضور مدیران سیاسی در عرصه اقتصادی است که متأسفانه شماری از مدیران دستگاه‌های اجرایی برای رفع مشکلات مالی خود فعالیت اقتصادی می‌کنند (۸۴/۲/۱۵).

۸. قاچاق، بسیاری از مدیران ضوابط را وضع کرده‌اند که زمینه استفاده از رانت‌های اطلاعاتی و اقتصادی را برای خود فراهم کرده و در نتیجه، بسیاری از مراجعان به دستگاه دیوان‌سالاری سردرگم شده و در نتیجه آلوده به فساد، یعنی پرداخت رشوه می‌شوند؛ ما سالانه شاهد حداقل پنج میلیارد دلار از سرمایه‌های کشور در زمینه اقتصاد غیرمشروع و قاچاق که صرف می‌شود، هستیم (۸۴/۳/۱۶).

۹. علی لاریجانی همچنین اعلام کرد: «در برنامه‌ای که برای دولت مدرن در نظر گرفته‌ایم، معیشت مردم و قدرت خرید آنان دو برابر خواهد شد و با یک‌رقمی شدن تورم، وضعیت اقشار مختلف متحول می‌شود (سایت رجانیوز با عنوان یادمان حماسه ۳ تیر ۸۴/بخش دوم؛ قالیباف، لاریجانی، هاشمی، کروبی، معین و... چه می‌گفتند؟ <http://www.rajanews.com/news/77491>).

۳. احمدی نژاد و شعارهای انتخاباتی وی

۱. وجود بی‌عدالتی: ما نیازمند تحول بنیادی و همه‌جانبه در نگرش، منش و رفتار خود هستیم، و ریشه این بی‌عدالتی در سیستم بانکی موجود، تمرکز سخت‌افزاری و نرم‌افزاری امکانات و هزینه‌های سرسام‌آور دولت، ریشه‌های بی‌عدالتی است (۱۳۸۴/۳/۱۱). چرخش بیش از ۶۰ درصد از فعالیت اقتصادی کشور در شهر تهران از نشانه‌های روشن بی‌عدالتی است (۸۴/۳/۱۸).

۲. فاصله طبقاتی: امروز در کشور ما وضعیتی حاکم شده است که اجازه تحقق حکومت اسلامی را نمی‌دهد و یکی از نشانه‌های آن بی‌عدالتی و فاصله طبقاتی است که بین اقشار مختلف مردم به وجود آمده است (۸۴/۲/۲۱).

۳. مشکلات کشور، ریشه در مدیریت اجرایی دارد؛ ایشان گفتند: مشکلات فعلی کشور ربطی به ملت ندارد بلکه ریشه آن به بخشی از مدیریت اجرایی باز می‌گردد (۸۴/۳/۱۰).

۴. وجود فقر، فاصله طبقاتی، تبعیض، فساد اداری و محرومیت از جمله مشکلاتی است که آقای احمدی‌نژاد مطرح کردند (۸۴/۳/۱۰). وی سود بالای بانکی در کشور را از مهم‌ترین علل فقر و تبعیض دانست (۸۴/۳/۱۸).

۵. نبود سیستم اقتصادی اسلامی؛ «با اجرای دستورات اسلامی، دستورالعمل‌های بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول باید دور ریخته شوند» (۸۴/۳/۲۱).

۴. محسن رضایی و شعارهای انتخاباتی وی

۱. تحول همه‌جانبه: موانع پیشرفت کشور از فکر و اندیشه تا ساختار بورکراتیک دولت و مسائل فرهنگی آن قدر زیاد است که بدون تحول بزرگ نمی‌توان آنها را مرتفع کرد (۸۴/۳/۱۱). تحول باید در اقتصاد، مدیریت و فرهنگ روی دهد.
۲. فقدان جوان‌گرایی؛ یکی از علل ناکارآمدی بالابودن سن مدیران است و راهکار آن، گرایش و گام برداشتن به سوی جوان‌گرایی است (۸۴/۳/۲۱).
۳. بی‌عدالتی، فقر و فساد از جمله نابسامانی‌های کشور است که برابری، عدالت و یک‌سوبودن تمامی اقوام از جهت برابری و مساوات از ضروریات نظام و دولت آینده است (۸۴/۳/۱۸).

۵. قالبباف و شعارهای انتخاباتی وی

۱. توقعات مردم از این حکومت برآورده نشده است؛ البته باید گفت که جمهوری اسلامی ایران با همه کارشکنی‌های دشمنان؛ کارنامه قابل دفاعی دارد (۸۴/۳/۱۱).
۲. وجود ضرب و شتم و رشوه و پائین بودن کیفیت ماموریت‌ها در نیروی انتظامی (۸۴/۳/۱۱).
۳. بیش از ۲۰ میلیون نفر از افراد کشورمان زیر چرخ‌های سیاست تعدیل اقتصادی له شده‌اند (۸۴/۳/۱۱).
۴. مشکل قاچاق (۸۴/۳/۱۱)؛ سالانه ۶ میلیارد دلار قاچاق به ایران وارد می‌شود و افرادی که از طریق مجاری رسمی و زدوبند و جعل اسناد به این جریان کمک می‌کنند (۸۴/۳/۱۸).
۵. بیماری اقتصادی؛ سیستم اقتصادی و تصمیمات متخذه آن مفسده‌برانگیز است؛ چون نهاد دولت از قبل از انقلاب تاکنون خود یک رانت‌خوار بزرگ است و وقتی از سرمایه

نفتی استفاده می‌کند، نیازی به مردم ندارد لذا تا زمانی که این وضع اصلاح نشود، نمی‌توان کاری کرد (۸۴/۳/۱۱).

۶. مشکل آفازاده‌ها و عده‌ای که از راه غیرقانونی به ثروت رسیده‌اند (۸۴/۳/۱۸).

۷. فاصله بین مردم و مدیران؛ فضای حاکم بر مدیریتی اول انقلاب باعث شده بود که مردم نسبت به مدیران و مجموعه کارگزاران اعتماد داشته باشند اما با گذشت زمان، ثروت و قدرت در کشور دلفریبی کرد تا کار به جایی رساند که فاصله بین مردم و مدیران در بخش‌های مختلف نسبت به گذشته افزایش یافت (۸۴/۳/۱۲).

۸. قالیباف: مردم از تبعیض، انحصار و رانت‌خواری رنج می‌برند (رجانیوز، یادمان حماسه ۳ تیر ۸۴/

بخش دوم؛ قالیباف، لاریجانی، هاشمی، کروبی، معین و... چه می‌گفتند؟ <http://www.rajanews.com/news/77491>).

۶. هاشمی رفسنجانی و شعارهای انتخاباتی وی

۱. وجود تفکر و رفتار ملوک‌الطوایفی در احزاب، افراد و گروه‌ها در کسب قدرت

(۸۴/۲/۲۱).

۲. وجود تورم، بیکاری، رکود سرمایه‌های کشور، توسعه‌نیافتگی برخی از بخش‌های کشور، فقر در میان طبقاتی از جامعه همچنین تهدیدهای خارجی از مهم‌ترین مسائل کنونی کشور می‌باشد (۸۴/۳/۱۰).

۳. برای پاسخ‌گویی به مطالبات نسل جدید باید راه کارهای جدیدی داشت؛ هر چند برنامه‌های انقلاب که در عقیده و فطرت ریشه دارد، کهنه نمی‌شود اما باید بر این اساس راه کارهای جدیدی خلق کرد (۸۴/۳/۱۲).

۴. دنیا در حال تحول سریع است و این تحول در ایران نیز وجود دارد؛ بنابراین تحجر، عقب‌گرد کردن، دگم‌اندیشی، سم و آفت این دوره است و باید با روحیه آزاداندیشی، خردجمعی و افکار عمومی به استقبال تحولات جهانی رفت (۸۴/۳/۱۲).

۵. تورم، زندگی مردم را سخت کرده است. اشتغال به عنوان یک دغدغه ذهن جوانان و خانواده‌های آنان را مشغول کرده است (رجانیوز، یادمان حماسه ۳ تیر ۸۴/ بخش دوم قالیباف،

لاریجانی، هاشمی، کروبی، معین و... چه می‌گفتند؟ <http://www.rajanews.com/news/77491>).

۷. مصطفی معین و شعارهای انتخاباتی وی

۱. بحران‌های موجود (اعم از سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی) در کشور ناشی از سوءمدیریت است (۸۴/۲/۲۱).
۲. تضییع حقوق اقلیت‌های قومی در ایران؛ اقوام کرد، ترک، لر، بلوچ، ترکمن، عرب و غیره هستند که به خاطر این که در اقلیت هستند، به حقوق اساسی آنها توجه نشده است (۸۴/۳/۱۷).
۳. یکی از مشکلات اجتماعی عبارتند از: دوقطبی شدن جامعه ایرانی (در بعد اقتصادی و بعد مدنی)؛ یعنی حقوق شهروندی مورد تعدی قرار می‌گیرد و آزادی بیان، قلم و عقیده مورد تهدید قرار گرفته است و فعالان سیاسی بدون محاکمه در دادگاه‌های غیرعلنی و بدون هیات منصفه محکوم می‌شوند و این از مظاهر بی‌عدالتی است (۸۴/۳/۲۴).

۸. ولایتی و شعارهای انتخاباتی وی

- ولایتی نیز مشکلات زیر را برای جمهوری اسلامی در زمان نهمین دوره ریاست جمهوری ایران مطرح می‌کند:
- وجود مناطق محروم و توسعه نامتوازن؛ تاکید بر توسعه متوازن گویای نگاه عادلانه به همه نقاط کشور است، ما نمی‌خواهیم در کشور شاهد وجود مناطق محروم باشیم؛ بنابراین، باید توازن در توسعه را سرلوحه برنامه خود قرار دهیم (۸۴/۲/۲۱).

۹. کروی و شعارهای انتخاباتی وی

- ۱- رانت‌خواری؛ ما باید با منشاء رانت‌خواری مبارزه کنیم، فلذا یکی از برنامه‌های من، جمع‌آوری ۱۵۰ اسکله غیرمجاز در کشور است (۸۴/۳/۲۵) تمامی مطالبی که از کاندیداها از شماره یک تا هشت ارائه گردید از روزنامه ایران، خرداد، ۱۳۸۴ بوده است.
- به‌طور کلی عوامل مشترکی که کاندیداها نهمین دوره ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۴ به‌وجود آن اذعان و اقرار داشته و قول مبارزه جدی و عملی برای رفع آن‌ها داده بودند، عبارت از: وجود فقر و ریشه‌کنی آن، تبعیض، ضعف و سوءمدیریت، بی‌عدالتی (اعم از بی‌عدالتی قضایی، سیاسی و اقتصادی) رانت‌خواری، آفت تشدید دوقطبی شدن

جامعه، تورم، فاصله طبقاتی، فساد و قاچاق بود. این مسایل برخاسته از سخنان کسانی بود که برای جلب آرای ملت و دست‌یابی به کرسی قدرت، هر یک با شعارهای مذکور خود را معرفی می‌کردند؛ یکی با تشکیل وزارت حقوق بشر در ایران قصد داشت که مشکل حقوقی ایران را حل و فصل کند و دیگری با غنی‌سازی دموکراسی و تشکیل دولت مدرن و یکی نیز با وعده تحقق کار و سازندگی و آن دیگری درصدد بود با پرداخت ۵۰ هزار تومان برای هر ایرانی مشکل ایرانیان را با تحقق دولت مقتدر و کارآمد برای توسعه پایدار حل کند (باستانی، ۱۳۸۴: ۲۰۰-۲۸۵) و برخی نیز با تحقق دولت رفاه و یکی هم با شعار پیش به سوی دولت اسلامی (دارابی، ۱۳۸۸: ۳۱۸-۳۱۹) بود.

از شعارهای تبلیغاتی کاندیداهای نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری؛ که همه آنها مسئولیتی را نیز به عهده داشتند؛ به این مطلب می‌توان رسید که جامعه‌ای که در آن درستکاری، صداقت، وفای به عهد و انصاف بیشتر به خاطره یا مخاطره شبیه هست، چگونه می‌تواند پایدار باشد؟ و چگونه ملت می‌تواند به شخصیت‌های سیاسی و نهادها اعم از نهادهای رسمی و غیررسمی که وظایف‌شان تدوین، اجرا و نظارت احکام اسلامی یا قوانین اسلامی از جمله مبارزه با فقر و فقرزدایی و ریشه‌کن کردن فقر از جامعه است با این که رهبران جمهوری اسلامی به کرات این قضیه را گوشزد کرده‌اند و گفته‌اند که نباید در جامعه فقر و محرومیت باشد (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۱/۹/۱۵). ولی با این وجود، امروزه ۲۰ میلیون حاشیه‌نشین و ۳/۵ میلیون بیکار در جمهوری اسلامی را شاهد هستیم و یا با این که گفته می‌شود از مجادلات سیاسی پرهیز کنید (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۱/۱/۱۶)، ولی کشور پر است از مجادلات سیاسی غیرمنطقی تا جایی که مقام معظم رهبری این نوع مجادلات را به مجادلات دوران جاهلی تشبیه کرده و می‌گویند: «باز در بین همین مجموعه‌هایی که همفکرند و هم‌جهت‌اند، انسان می‌بیند یک اختلافاتی هست که باز از قبیل همان اختلافات قبیله‌ای سابق است» (بیانات مقام معظم رهبری؛ سال ۱۳۸۵ در سایت فارسی‌خامنه‌ای) با همه این وضعیتی پیش آمده، ملت چگونه می‌تواند اعتمادشان را نسبت به شخصیت‌ها، نهادها و نظام داشته باشند؟! پاسخی که به‌عنوان یکی از راه‌های میانه به نظر می‌رسد این است که آنچه مسئولین به آن وعده می‌دهند، عمل کنند و به حرف درمانی بسنده نگردد.

پویش منابع

آیا منابع اسلامی و آموزه‌های دینی ما حامی و تقویت‌گر سرمایه اجتماعی است یا ضدش می‌باشد؟ اگر ما عناصر و منابع سرمایه اجتماعی را عبارت بدانیم از: ۱. شبکه‌های روابط و مشارکت مدنی (این شبکه‌ها خود به سه دسته: الف- مشارکت اجتماعی ب- ارتباط اجتماعی ج- مشارکت سیاسی تقسیم می‌گردند) ۲. اعتماد ۳. هنجارها؛ آن وقت دو سؤال مطرح می‌شود:

اول این که آیا ما در آموزه‌های اسلامی، گزاره‌هایی را داریم که برای ایجاد و تقویت این منابع و عناصر سرمایه اجتماعی به ما توصیه‌هایی کرده باشند و یا ما را تشویق به تحقق، حفظ و تداوم سرمایه اجتماعی نماید؟

سؤال دوم این که، چرا با داشتن این همه توصیه برای تحقق سرمایه اجتماعی ولی باز هم در این زمینه مشکل داشته و دچار چالش‌های اساسی‌ای در جمهوری اسلامی هستیم. در ادامه ابتدا به پاسخ سؤال اول می‌پردازیم؛ این که آموزه‌های دینی چه توصیه‌هایی در عناصر سرمایه اجتماعی دارند و چه راه کارهایی را نیز برای مقابله با عدم تحقق آن ارائه می‌دهند:

شبکه‌های روابط و مشارکت مدنی

الف: مشارکت اجتماعی، *روشن‌گاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*
مشارکت اجتماعی دربرگیرنده سه مفهوم؛ ۱. مسئولیت‌پذیری ۲. مشورت ۳. تعاون و همکاری می‌باشد (زارعی، ۱۳۹۵: ۵۵-۵۶). بنابراین، برخی از گزاره‌هایی که در آموزه‌های اسلامی و سخنان اندیشمندان مسلمان در باب اهمیت و التزام به این مفاهیم سه‌گانه ما را توجه داده‌اند، اشاره می‌شود.

۱. تعاون و همکاری

تعاون و همکاری، یکی از مولفه‌های مشارکت اجتماعی است که خداوند سبحان به آن سفارش نموده است (سوره مائده: ۲) و پیامبر ﷺ نیز در این باره می‌فرماید: «مسلمان، سی حق

بر گردن برادر مسلماننش دارد. ... باید او را یاری رسانده، اگر ظالم است، او را از ستم باز دارد و اگر مظلوم است، برگرفتن حقش کمک کند» (حرعاملی، ۱۳۸۸، ج ۸: ۵۵۰).

۲. مسؤلیت‌پذیری

در باب مسؤلیت و مسؤلیت‌پذیری هر فرد مسلمانی قبل از هر چیز مسؤل سلامت و پاکی خود بوده (سوره مائده: ۱۰۵). سپس باید به پاک‌زیستن خانواده و اهلس حساس باشد (سوره تحریم: ۶) و در نهایت، مسؤل پاک نگاه‌داشتن و پرداختن به جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند؛ باشد همان‌گونه که خداوند سبحان می‌فرماید: «كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ» (بقره: ۱۴۳). بر اساس این بینش و این نوع رویکرد که همه در قبال دیگران مسؤل هستند؛ حدیث «کلکم راع و کلکم مسؤل عن رعیت» (رشاد، ۱۳۸۰، ج ۶: ۱۹۱). معنای خود را به منصفه ظهور می‌رساند. نکته‌ای که در این‌جا ذکر آن خالی از فایده نخواهد بود این است که برخی از صاحب‌نظران این روایت را فقط در سطح رفتار و مقام اجتماعی منحصر نکرده‌اند بلکه گفته‌اند که «این مسؤلیت به رتبه و مقام اجتماعی شخص وابسته نیست؛ همان‌گونه که مسؤلان بر رفتار زیردستان نظارت دارند، فرودستان نیز می‌باید بر رفتار و کردار و حتی گفتار مسؤلان توجه و نظارت کنند» (همان: ۱۹۲)؛ چراکه انسان به‌طور کلی با سه نوع مسؤلیت مواجه است: ۱- مسؤلیت در مقابل وجدان خودش ۲- مسؤلیت در مقابل اجتماع ۳- مسؤلیت در مقابل خدا.

در فرهنگ اسلامی، شهروندان قبل از هر نوع احساس مسؤلیتی در مقابل وجدان‌شان و در مقابل اجتماع، در برابر خداوند احساس مسؤلیت می‌کنند؛ چون مسؤلیت در مقابل خدا؛ یعنی این که معتقد شویم که همه چیز از او، مال او و به‌سوی او است. هیچ کس و از جمله انسان از خودش استقلال ندارد. نعمت‌هایی که در اختیار انسان قرار می‌گیرد، مال خودش نیست. نعمت‌هایی که در بدن یا روحش هست یا نعمت‌هایی که در خارج از وجود اوست، مانند: خانه، زندگی، زن و فرزند؛ مال او نیست، مال خدا است؛ همین‌طور همه قوای مادی او مال خدا است (مصباح یزدی، ۱۳۷۳: ۱۷۳). نتیجه این‌که؛ مسؤلیت‌پذیری شهروندان در جامعه اسلامی، رنگ و بوی دیگری می‌گیرد. بنابراین، این‌طور نیست که مسؤلیت منحصر

شود در عده‌ای خاص بلکه فرادست و فرودست؛ همه و همه مسؤول خود و اجتماع خود هستند.

مسئولیت‌پذیری؛ یعنی مدیران حکومتی نسبت به خواسته‌های عمومی حساسیت داشته باشند و تلاش نمایند تا اجناس رذایل؛ یعنی فقر، بیکاری، دروغ، حسد و... از جامعه زدوده شود و در عوض، فضایل اخلاقی پایه همبستگی اجتماعی و سیاسی قرار گیرد. درباره مسئولیت انسان، در فرهنگ اسلامی توصیه‌های زیادی شده است؛ از جمله سفارش علی علیه السلام است که می‌فرماید: ای انسان! از خدا بترسید درباره بندگان خدا و شهرهای او؛ زیرا شما حتی نسبت به سرزمین‌ها و چارپایان مسؤولید (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، خطبه ۱۶۸، ج ۹: ۲۸۸).

همان‌گونه که گفته شد انسان، به‌طور کلی با سه نوع مسئولیت مواجه است:

۱. مسئولیت در مقابل وجدان خودش؛ در این باره گفته شده، هر کس قدر خویشتن را شناخت، آن را به امور فانی شونده به پستی نمی‌کشاند (خوانساری، ۱۳۶۰، ج ۵: ۳۳۵) و اصولاً رستگاری انسان منوط به پاک نگه‌داشتن نفس ناطقه (سوره شمس: ۹ و ۱۰). از هر نوع پلشتی و بدکاری است.

۲. مسئولیت در مقابل اجتماع؛ در فرهنگ اسلامی در باب مسئولیت در مقابل اجتماع در پنج سطح سفارش شده است:

۲-۱. احساس مسئولیت کردن و احترام گذاشتن به مال، جان و ناموس یکدیگر؛ چون رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: احترام خون‌ها و امواتان بر یکدیگر مانند احترامی است که امروزتان در این ماه و این سرزمین دارد تا روزی که خدا را ملاقات کنید و از اعمالتان پرس‌وجو کند (حرعاملی، ۱۳۸۸، ج ۱۷: ۸۸).

۲-۲. تعاون و همکاری، دومین سطح از سطوح مسئولیت در مقابل اجتماع می‌باشد که در سطور پیشین به آنها توجه داده شد.

۲-۳. شهروند مسلمان باید در رفع گرفتاری جامعه احساس مسئولیت کند (همان، ج ۸: ۱۳۱).

۲-۴. امر به معروف و نهی از منکر یکی دیگر از مسئولیت‌های اجتماعی است که خداوند در این باره می‌فرماید: مردان و زنان مؤمن همه یاور و دوستدار یکدیگرند، خلق را به کار نیکو وادار و از کار زشت منع می‌کنند (سوره توبه: ۷۱).

۵-۲. آخرین سطح از مسئولیت اجتماعی، سطح خدمات‌رسانی است که در این باره توصیه شده است: بندگان، عیال خدا هستند، پس بهترین مردم نزد خدا کسی است که بیشتر به عیال خدا سود برساند و خانواده‌ای را خوشحال کند (حرعاملی، ۱۳۸۸، ج ۸: ۱۶۴).

۳- مسئولیت در مقابل خدا.

۳. مشورت

خداوند سبحان در سوره آل عمران آیه ۱۵۹ درباره مشورت، آیه‌ای را نازل فرمود که بیانگر سه دستور برای دولت‌مردان می‌باشد:

۱. ملائمت و ملاحظت و دوری از هرگونه بدخویی و غلظت که پایه و اساس جذب نیروهای مردمی و مایه جلوگیری از یأس و طرد آنان می‌شود؛
۲. چشم‌پوشی از ناروایی‌هایی که احیاناً از برخی سر می‌زند و طلب آمرزش برای آنان که این امر، مایه دل‌گرمی همگان می‌شود؛
۳. مشورت مستمر با مردم؛ که این امر فروزان‌ترین نور امید را بر دل‌ها می‌تاباند و همگان را به حضور در تمامی صحنه‌های سیاست وا می‌دارد و این حضور همیشگی مردمی، نیرومندترین پشتوانه استواری نظام حاکم است (رشاد، ۱۳۸۰: ۱۹۵). تا جایی که نائینی می‌گوید: «چه قدر از مدالیل کتاب و سنت و احکام شریعت و سیره پیامبر و امام خود بی‌خبریم! و به جای آن که شورای عمومی ملی را هذبه بضاعتنا ردّت الینا بگوئیم با اسلامیت مخالفش می‌شماریم» (نائینی، ۱۳۶۱: ۸۵).

ب: ارتباط اجتماعی

وقتی بحث از ارتباط اجتماعی می‌کنیم، اعم از ارتباط درون‌گروهی و بیرون‌گروهی خواهد بود. مثلاً در باب رابطه با خانواده، قرآن به ما توصیه‌هایی کرده است که در روابط با خانواده و اقوام باید آن‌ها را مورد توجه قرار دهیم (سوره بقره: ۱۸۷ و ۲۲۳) و یا برخی از آیات چگونگی روابط همسر، فرزند و صله‌رحم با اقوام را سفارش می‌کند (سوره نساء: ۱) و در باب ارتباط اجتماعی بیرون‌گروهی نیز به سطوح مختلف سفارش کرده است: در آیه «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (حجرات: ۱۰)؛ به برادری در جامعه مومنین توصیه کرده و به رعایت

عدالت در میان غیرمؤمنان (سوره مائده: ۸) و اجتناب از اهانت به مقدسات دیگران حتی مشرکان (سوره انعام: ۱۰۸) اشاره و تاکید کرده است.

ج: مشارکت سیاسی

مشارکت؛ یعنی تمامی شهروندان بایستی مستقیماً از طریق نهادهایی در فرایند تصمیم‌گیری شرکت داشته باشند، اگر چه واژه مشارکت سیاسی به‌طور مشخص در متون فقهی وجود ندارد و در هیچ آیه و روایتی از آن استفاده نشده است (علیخانی، ۱۳۷۷: ۳۲) ولی برای بررسی مشارکت سیاسی براساس مبنای فقهی می‌توان از مفاهیم و واژه‌های دیگری که می‌توانند حکایت‌گر این مفهوم باشند استفاده ببریم.

در یک نگاه اجمالی به کتاب و سنت پیرامون اصل شورا می‌توان مواردی را برشمرد:

۱- آیاتی مانند: «وشاورهم فی الامر» (آل عمران: ۱۵۹)، «وامرهم شوری بینهم» (شوری: ۳۸)؛ و نیز کلام حضرت علی علیه السلام به فرزندش محمد حنفیه چنین توصیه می‌کند: «نظرات مردان صاحب‌نظر را جمع‌آوری کن و سپس نزدیک‌ترینش را به صواب و دورترین آنها را از شک و شبهه انتخاب نما» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴: ۳۸۶) و همچنین سخنان عالمان دینی مانند سیدجمال‌الدین اسدآبادی که می‌گوید: «چگونه شخصی را خداوند سرپرست یک ملت می‌سازد و زمام امور را به وی می‌سپارد که مصالح کامل آن در تحت فرمان و اراده وی باشد و او بی‌نیاز از مشورت باشد. بی‌تردید این فرد به مشورت و استفاده از آرای عقلا از همه محتاج‌تر است. اندازه نیاز او به مشورت متناسب با گستره ساحت سلطه وی است. به همین جهت خداوند نبی خود را با آن که معصوم از خطاست، چنین تعلیم و ارشاد می‌نماید «وشاورهم فی الامر» (اسدآبادی، ۱۴۱۷ق: ۱۵۳، ۱۳۲۷).

۲- روایاتی که در آنها ترغیب و تشویق به مشورت شده و در ضمن آنها به ملاک مطلوبیت مشورت نیز - که همان رسیدن به واقع مصالح است - اشاره دارد (صرامی، ۱۳۸۰: ۲۲۸؛ صبحی صالح، ۱۴۲۵: ۵۰۲؛ خوانساری، ۱۳۶۰، ج ۵: ۳۳۷).

۳- همچنین دسته‌ای از روایات که به کثرت مشاورین ترغیب می‌کند مانند روایتی که می‌گوید «... آن‌گاه با ده نفر از مؤمنان مشورت کند، اگر نتوانست با پنج نفر، هر یک دوبار

و اگر نه با دو نفر، هریک پنج بار، در غیر این صورت با یک نفر ده بار مشورت کن (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۱: ۲۵۲).

۴- روایات که استبداد به رأی را نفی و منع می‌کند مانند روایتی که می‌فرماید: «تنها رأی خود را پسندیده ندان، کسی که چنین کند، نابود گردد» (صبحی صالح، ۱۴۲۵: ۵۰۱؛ خوانساری، ۱۳۶۰، ج ۱: ۳۱۷). ۵- روایاتی که افراد و اعضای شورا را تعیین و صفات و خصوصیات آنها را این چنین ذکر می‌کند: «بهترین کسانی که مورد مشورت قرار می‌گیرند، باید صاحبان خرد و آگاهی و دارندگان تجربه و دوران‌دیشی باشند» (خوانساری، ۱۳۶۰، ج ۳: ۴۲۸). همچنین امام صادق علیه السلام توصیه می‌کنند: «با کسانی مشورت کنید که دارای پنج ویژگی عقل، آگاهی، خبرویت، خیرخواهی، و پرهیزکاری باشند. «شاور فی امورک مما یقتضی الدین من فیه خمس خصال: عقل و علم و تجربه و نصیح و تقوی» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵: ۱۰۳) بنابراین کسی که خیرخواه عاقل است، نباید از مشورت با او پرهیز و مخالفت کرد.

اعتماد (دومین عنصر از سرمایه اجتماعی)

اعتماد سیاسی ارتباط نزدیکی با کارآمدی حاکمان دارد و بیانگر درجه‌ای از انتظار شهروندان از توانایی و موفقیت حاکمان است که متناسب با انتظار مردم باشد (خرمشاد، ۱۳۸۵: ۲۷۹) اعتماد و جلب نظر مردم از اموری است که لازم است و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز دنبال این بود که مردم را جلب کند (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۷: ۲۵۱). سیاست‌ورزی در دنیای امروزی نیز به گونه‌ای است که بدون اعتماد نمی‌توان پای در قلمرو سیاست گذاشت. بنابراین، در باب ضرورت اعتماد می‌توان گفت که کارآمدی دولت‌ها و نهادهای حکومتی تا اندازه زیادی منوط به اعتماد شهروندان به آن‌ها و در نتیجه، همکاری بهتر با آن‌ها است؛ البته باید توجه داشت که اعتماد سیاسی معمولاً سه متعلق دارد یا متعلق اعتماد: ۱- نظام سیاسی است، یا، ۲- نهادهای سیاسی است و یا، ۳- کنشگران سیاسی هستند هر یک از این سه سطح اعتماد، ممکن است به صورت‌های مختلفی در جوامع بروز کند (سردارنیا، ۱۳۸۸: ۱۴۰ به نقل از شایگان، ۱۳۸۷: ۱۵۳ - ۱۷۹). نیوتن^۱ بر این باور است که اعتماد سیاسی به

1. Kennet Newton

نهادهای سیاسی تا اندازه زیادی مبتنی بر ارزیابی نحوه عملکرد نظام سیاسی است. از این رو، این پدیده تحت تأثیر عواملی چون تورم، بیکاری، فساد سیاسی یا ناتوانی نظام سیاسی، پیروزی یا شکست در جنگ، رشد اقتصادی، نرخ جرم و غیره است. اینها شاخص‌های عملکرد دولت است که بر هر کسی اثر می‌گذارد اگرچه بر همه به یک اندازه مؤثر نیست (سردارنیا، ۱۳۸۸: ۱۴۴). ولی اعتماد داشتن به مؤسسات دولتی تنها راه جلوگیری از فساد اداری و خیانت در بیت‌المال - پس از ایمان محکم - احساس بی‌نیازی است و این وظیفه دولت است تا به صورت آشکار یا پنهان آن را در آحاد کارمندان و شهروندان ایجاد کند. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «پس بر کارهای آنان مراقبت دار و در پنهان، کسانی را که راست گو و وفا پیشه‌اند بر آنان بگمار؛ زیرا این مراقبت پنهانی، بیش تر آنان را به پاکی و امانت‌داری و امانت‌داری و می‌دارد و آنان بهتر می‌توانند به مردم مهربانی کنند؛ یعنی حُسن خدمت نشان دهند (رشاد، ۱۳۸۰: ۱۹۴). البته حکمرانان باید توجه داشته باشند که «هیچ وسیله‌ای برای جلب اعتماد والی به رعیت، بهتر از نیکوکاری به مردم و تخفیف مالیات و عدم اجبار مردم به کاری که دوست ندارند، نمی‌باشد» (دشتی، ۱۳۸۲، نامه ۵۳: ۴۰۶).

هنجارها (سومین عنصر از سرمایه اجتماعی)

هنجار، مقیاس و قاعده برای رفتار و تنظیم روابط است که اکثریت از آن پیروی می‌کنند و عدم پیروی از آن مجازات دارد (زارعی، ۱۳۹۵: ۹۰ به نقل از رفیع‌پور، ۱۳۸۲: ۱۸۵). زارعی در پایان‌نامه خود برای رعایت هنجارهای اجتماعی در جامعه به دو مکانیسم زیر اشاره می‌کند: اولین مکانیسم، مکانیسم آموزشی می‌باشد که در اصطلاح جامعه‌شناسی «جامعه‌پذیری یا اجتماعی شدن» نامیده می‌شود؛ یعنی هنجارهای درست به افراد آموخته می‌شود و از افراد انتظار می‌رود که این هنجارها را رعایت کنند و دومین مکانیسم، «کنترل اجتماعی» است. این مکانیسم زمانی به کار می‌آید که افراد از رعایت هنجارهای اجتماعی سرباز می‌زنند. این مکانیسم به نوعی مکانیسم دفاعی و انضباطی جامعه در برابر عدم رعایت هنجارهای اجتماعی است. در اندیشه اسلام، هنجارها در پنج دسته: واجب، حرام، مستحب، مکروه و مباح تقسیم می‌شوند (همان).

در بخش هنجارها، باید شهروندان و کارگزاران جمهوری اسلامی ایران احکام پنج‌گانه

را رعایت کنند؛ یعنی عمل به واجبات کنند، از حرام اجتناب و دوری کنند، مثلاً از وعده‌های دروغین به مردم اجتناب نمایند؛ چون این گُنش سبب کاهش سرمایه اجتماعی می‌شود. امر به معروف و نهی از منکر از ابزارهای نظارتی و کنترلی کننده جامعه است و براساس این ابزار است که امام خمینی علیه السلام می‌گوید: «اصل امر به معروف و نهی از منکر [برای] همین است که جامعه اصلاح شود... کلکم راع... یعنی همه‌تان راعی هستید... به هر فردی لازم کرده، به این که امر به معروف کند» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸ (ب)، ج ۱۰: ۱۱۰). اصل هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز به سومین عنصر سرمایه اجتماعی یعنی هنجار امر به معروف و نهی از منکر با صراحت اشاره می‌کند. در این اصل آمده است که دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت، شرائط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می‌کند (قانون اساسی، اصل هشتم).

آینده مطلوب و متصور از اعتماد در جمهوری اسلامی ایران

برای ترسیم وضع مطلوب و رفع فاصله میان وضعیت موجود و مطلوب و افزایش سرمایه اجتماعی در نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران می‌توان از آموزه‌های دینی و دیدگاه اندیشمندان و رهبران نظام بهره برد. آن‌گاه با بهره‌گیری از نقشه راه، آینده‌ای مطمئن را با ارایه راه کارهای مناسب ترسیم و پیشنهاد داد. اما قبل از پرداختن به راه کار، لازم است که جریان شناسی‌ای از حساسیت مردم و کارگزاران نسبت به اعتماد یا بی‌اعتمادی داشته باشیم. به طور کلی در باب حساسیت نسبت به اعتماد یا بی‌اعتمادی در جمهوری اسلامی ایران با چهار دسته از گُنش گران زیر مواجه هستیم:

۱. اپوزیسیون برانداز به آن دسته از مخالفانی اطلاق می‌شود که در صدد براندازی نظام حکومتی جامعه یا به زیر کشیدن قدرت‌مندان نظام از اریکه قدرت هستند و به عبارت دیگر، کسانی هستند که خواهان افزایش بی‌اعتمادی مردم نسبت به نظام سیاسی در جمهوری اسلامی ایران هستند؛ هر چند خودشان هم در مصایب آن گرفتار آیند. چون این دسته مخالف اصل نظام بوده و خواهان شکست جمهوری اسلامی ایران هستند.

۲. کنش گرانی که به دنبال زندگی راحت هستند: جریان و دسته‌ای که منزوی بوده و اصولاً زندگی‌شان در همین انزوا و کناره‌گیری و گذران کردن زندگی عادی‌شان است؛ چون یک فرد عادی از هر جنسی، قومی که باشد، تنها می‌خواهد در شغل خود آدم موفق باشد و از یک سطح نسبتاً بالای یک زندگی توأم با فراغت و امکان مسافرت برخوردار گردد. وی در پی آن است که هنگام ناخوشی و سلامت از خانواده خود نگهداری کند و امکان تحصیلات خوبی را برای فرزندان خود فراهم سازد. آرزوهای این گروه در همین محدوده خلاصه می‌شود چون بر این باورند تا قدرت این ندارد که نظرات اصلاحی خود را بر دیگران اعمال و در جامعه جاری کند. هنر کارگزاران جمهوری اسلامی باید در این باشد که اعتماد این دسته را به دست آورد؛ چون در غیر این صورت این دسته از مردم به نظام دیگری گرایش پیدا خواهند کرد و جمهوری اسلامی را به زیر خواهند کشید.
۳. کنش گرانی که به اسلام فرهنگی باور دارند: دسته‌ای که در مسیر انقلاب به هر دلیلی به این نقطه رسیدند که اسلام سیاسی یا اسلام فقاهتی نمی‌تواند موفق بشود و برای نجات آن، اسلام اجتماعی و فرهنگی یا فردی را بدیل و جایگزینش معرفی کرده و به اسلامی سفارش می‌کنند که ویژگی‌هایی همچون: ۱- پذیرش اسلام به‌عنوان یک انتخاب فردی نه هنجار حکومتی ۲- اسلامی که سودای یکی کردن دین و دنیا، سنت و تجدد، تقلید و تحقیق ندارد را دنبال می‌کند (قوچانی، ۱۳۸۳: ۴). نتیجه این که، ترویج و شیوع بی‌اعتمادی و از دست دادن روابط اجتماعی و مشارکت مدنی و انسجام که پایانش فقدان مشروعیت نظام، است برای آنها می‌تواند مهم نباشد و با اهمیت قلمداد نگردد و قابل توجه باشد.
۴. جریان انقلابی نامیده آن دسته از شهروندان و کارگزارانی که ارزشی هستند و به گفتمان انقلاب اسلامی باور داشته و نسبت به مسائل و مشکلات جمهوری اسلامی ایران دغدغه دارند. اینان باید پاسخی برای مشکل بی‌اعتمادی در جمهوری اسلامی بیابند. این دسته از افراد اعم از کارگزاران و شهروندان برای به دست آوردن تعادل؛ یعنی وضعیتی که در آن هنجارها، نهادها و نقش‌های اجتماعی به طریقی با هم ارتباط پیدا کنند تا هر یک عامل تصحیح‌کننده‌ای برای تغییرات در دیگری محسوب

شوند، چه می‌توانند بکنند؟ این دسته اخیر در دو سطح می‌توانند به مقابله با کاهش سرمایه اجتماعی و به‌ویژه با بی‌اعتمادی پردازند ۱- سطح نظری اعتماد ۲- سطح عملی اعتماد. یعنی یا باید از اعتماد یا بی‌اعتمادی یک توجیه و تبیین عقلانی ارائه نمایند و اگر نتوانستند، باید عملکرد کارگزاران و مسئولین نظام را به تیغ نقادی و بازسازی بکشانند؛ چون جریان انقلابی؛ پایان زمانی برای انقلابی‌گری قائل نیست. از این رو، برای این که مردم نسبت به نظام سیاسی بی‌اعتماد نشوند، آنان باید با تبعیض، فقر، گرایش مسئولان به رفاه‌طلبی، مصرف‌گرایی، بی‌کفایتی هیئت حاکمه، تجمل‌پرستی و اسراف، فساد اداری در میان برخی از کارگزاران به مقابله برخاسته تا بتوانند اعتماد مردم نسبت به آنچه که برایش تلاش کرده و هزینه‌های مادی و معنوی بسیار داده‌اند را حفظ کنند.

اعتماد در نظر یا سطح نظری اعتماد^۱

چون اسلام و مذهب تشیع، استعداد زیادی را در اصول و نظر برای پی‌گیری سرمایه اجتماعی و عناصر آن از جمله اعتماد دارا می‌باشد، به همین دلیل در این چهار دهه جمهوری اسلامی ایران، حجم‌های زیادی برای نشان‌دادن عدم کارآیی اسلام صورت گرفت که از باب نمونه می‌توان به فرقی انحرافی اشاره داشت فرقه‌های انحرافی تمرکزشان را روی ماهیت اندیشه شیعه گذاشته و شبهاتی را در اطراف آن از طریق تشکیک در مبانی دینی مطرح کرده‌اند. چون یکی از عواملی که موجب واگرایی و عدم انسجام ملی و اعتقادات رایج در جمهوری اسلامی می‌شود، عامل فرقه‌گرایی است؛ آن‌هم در سه سطح: فرقه‌گرایی قومی، فرقه‌گرایی مذهبی و فرقه‌گرایی سیاسی. هریک از این سه سطح از فرقه‌ها می‌توانند چالش‌هایی را از حیث عقیدتی، فعالیت‌های حقوق بشری و امنیتی ایجاد کنند. همان‌طور که گفته شد یکی از راه‌ها و طرق مبارزه با انقلاب اسلامی، بهره‌مندی از مسلک‌ها و فرقه‌ها است که هریک از این فرقه‌های منحرف مانند: فرقه‌های تصوف، بهائیت و معنویت‌های کاذب و نوظهور حمله‌های همه‌جانبه‌ای علیه انقلاب اسلامی ترتیب داده‌اند

1. Trust IN principle

که امروزه چیزی در حدود ۲۵۰۰ فرقه نوظهور (زمانی، ۱۳۹۰، سایت خبرگزاری مهر) که هدفشان خشکاندن اعتقادات، باورها، ارزش‌ها و هنجارهای انقلاب اسلامی ایران بود را در ایران آمار می‌دهند؛ اگرچه نقش رقبا و مخالفین انقلاب اسلامی در ایجاد بی‌اعتمادی از طریق ترویج شبهات جای شک و تردیدی نیست و به ضرورت و اهمیت مبارزه با آنان نیز واقف هستیم و دستگاه فکری شیعه نیز در حوزه نظری قدرت پاسخ‌گویی به آن شبهات را دارد ولی از آن مهم‌تر، آنچه که جمهوری اسلامی ایران را بیش از شبهات نظری مطروحه، دچار مشکل می‌کند و باید راه کار در آن زمینه ارائه داد، مسأله اعتماد عمل است؛ یعنی چه کار کنیم که اعمال ما (اعم از شهروندان و کارگزاران) منجر به بی‌اعتمادی نشود؟ یا چرا با این که ما در حوزه نظری یعنی منابع، مبانی و فهم در رابطه با سرمایه اجتماعی مشکلی نداریم و باید شاهد حضور سرمایه اجتماعی آن‌هم در سطح بسیار عالی‌ای باشیم، ولی متأسفانه در عمل دچار مشکل هستیم و آنچه باعث شد تا در سرمایه اجتماعی در جمهوری اسلامی با چالش جدی مواجه شویم را باید در عمل و عملکردمان جست‌وجو کنیم.

اعتماد در عمل^۱

اگرچه اعتماد در «اصل - یا اعتماد بر اساس اسناد بالادستی -» آن‌هم بر پایه چارچوب نظری اسلام به‌مثابه ایدئولوژی قابل پیگیری است و به‌عبارتی دیگر، اگرچه ما دارای منابع، مبانی و فهم معرفتی قوی‌ای در حوزه مطالعاتی سرمایه اجتماعی هستیم که به زیبایی جایگاه سرمایه اجتماعی از جمله اعتماد را ترسیم می‌کند (اصول ۱۴، ۱۹ و ۲۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران). ولی در حوزه عمل در تحقق عناصر سه‌گانه سرمایه اجتماعی با مشکلات جدی‌ای مواجه هستیم که باید از مکانیسم‌هایی همچون: ۱. مکانیسم آموزشی مانند: جامعه‌پذیری ۲. مکانیسم کنترل اجتماعی و اقدام عملی کردن بهره‌بریم تا در جایی که هنجارهای اجتماعی رعایت نمی‌شود، بتوانیم از آن مکانیسم‌ها مانند مکانیسم کنترل اجتماعی بهره‌برده و سرمایه اجتماعی را احیا نماییم.

1. Trust In Practice

نتیجه‌گیری

امروزه در تاثیر گذار بودن و نقش داشتن سرمایه اجتماعی در ثبات و پایداری دولت‌ها و نظام‌های سیاسی از جمله جمهوری اسلامی ایران در میان صاحب‌نظران داخلی و خارجی جای شک و تردیدی نیست، اینان کاهش سرمایه اجتماعی در نظام سیاسی را مساوی با چالش‌های متعددی همچون: چالش معرفتی یا شناختی، چالش مهارتی و چالش انگیزشی قلمداد خواهند کرد. این هم مهم نیست که ابعاد سرمایه اجتماعی را دوتایی تصور کنیم یا سه‌تایی و یا چهارتایی فرض بگیریم. در هر حال، مؤلفه اعتماد یکی از مولفه‌ها و یکی از ابعاد اساسی سرمایه اجتماعی محسوب می‌گردد که باید به آن توجه جدی داشت؛ چون اعتماد، عنصر اساسی زندگی اجتماعی - سیاسی را تشکیل می‌دهد و با اعتماد است که در جامعه افراد احساس امنیت می‌کنند و نظم و ثبات سیاسی را در جامعه حاکم می‌کنند.

در این مقاله به این مهم توجه داده شد که اگرچه عناصر سرمایه اجتماعی در سطح نظری و در آموزه‌های اسلامی - چه در کتاب و سنت و چه در توصیه‌های اندیشمندان مسلمان و رهبران جمهوری اسلامی ایران - به وفور به آنها سفارش شده است که در ارتباط درون‌گروهی و بیرون‌گروهی مواظب باشند تا بتوانیم به سرمایه اجتماعی دست بیاییم ولی آنچه برای ثبات و پایداری و تداوم نظام جمهوری اسلامی ایران بیش از هر چیز دیگر مهم و اساسی تلقی می‌شود، پرداختن به بُعد عملی اعتماد یا سرمایه اجتماعی است؛ یعنی دقت و تأمل کنیم در سطح عمل چه کار کنیم که جمهوری اسلامی ایران همانند دهه‌های قبل به سوی تحقق سرمایه اجتماعی گام بردارد.

اگرچه امروزه تداوم نظام جمهوری اسلامی ایران به بُعد عملی اعتماد متکی است ولی باید اظهار داشت که کارگزاران با اعمال‌شان در این چند دهه کارهایی را انجام داده‌اند که موجب تقویت سرمایه اجتماعی و به تبع آن باعث ثبات و پایداری نظام نگردیده است لذا برای این که افراد منافع نفسانی خودشان را و منافع روزمره جناحی‌شان را فدای مصالح عمومی جامعه نکنند و موجب بی‌اعتمادی نشوند، باید مکانیسم‌هایی از جمله: مکانیسم آموزشی و مکانیسم کنترلی را توأمان به کار بیندیم تا در این راه موفق گردیم؛ چون این مهم؛ فقط با دستور، ابلاغ فرامین و منشور تحقق پیدا نخواهد کرد. بنابراین ناچاراً به آموزش و پرورش نیاز داریم و از خودمان باید شروع کنیم و منافع ملی خودمان را بر منافع شخصی

ترجیح دهیم. اگر این کار را کردیم، آن وقت جمهوری اسلامی پایداری را شاهد خواهیم بود. همان گونه که امام خمینی علیه السلام گفته اند: «تا زمانی که افراد منافع نفسانی خودشان و منافع روزمره جناحی شان را فدای مصالح عمومی جامعه کنند، آن وقت مسیر رشد آینده مشخص خواهد بود» (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۰: ۳۷۶) و پایداری و ثبات نظام سیاسی مسیر خودش را تداوم می دهد و شاهد آزادی های مدنی، کاهش فقر، حیات محیط زیست، شغل و رفاه پایدار و مانند آن خواهیم بود و همه اینها با تقویت سرمایه اجتماعی قابل جبران خواهد بود.



کتابنامه

* قرآن کریم

۱. ابن ابی الحدید (۱۴۰۴ق)، شرح نهج البلاغه، قم: منشورات مکتبه آیه الله العظمی مرعشی نجفی، چاپ دوم.
۲. اسدآبادی، سیدجمال‌الدین (۱۴۱۷ق-۱۳۲۷)، العروة الوثقی، تنظیم: سیدهادی خسروشاهی، تهران: وزارت الثقافة والارشاد الاسلامی، مؤسسة الطبع و النشر.
۳. باستانی، ربابه (۱۳۸۴)، سوم تیر؛ واکنش‌ها به نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری، تهران: اساتید قلم، چاپ اول.
۴. بشیریه، حسین (۱۳۸۰)، آموزش دانش سیاسی، تهران: مؤسسه نگاه معاصر.
۵. بیانات مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۶/۱/۱۳۸۱.
۶. بیانات مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز عید فطر، ۱۵/۹/۱۳۸۱.
۷. بیانات مقام معظم رهبری (۱۳۸۵)، سایت فارسی خامنه‌ای، اختلاف سیاسی / جناح‌های سیاسی / اختلافات سیاسی / اختلاف بین جناح‌ها، زمان بازدید دوشنبه ۱۷ خرداد ۱۳۹۲؛ <http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1725>
۸. پانام، رابرت (۱۳۹۲)، دموکراسی و سنت‌های مدنی: سرمایه اجتماعی و سنت‌های مدنی در ایتالیای مدرن، ترجمه: محمدتقی دلفروز، تهران: جامعه‌شناسان.
۹. تنهایی، ابوالحسن (۱۳۷۲)، «بررسی نظریات جامعه‌شناسی غرب و تاثیر آنها بر جامعه‌شناسی در ایران»، مجله دانشگاه انقلاب، ش ۹۷.
۱۰. جعفری، سیاوش (۱۳۸۶)، «رویکردهای مذهبی الزام سیاسی»، راهبرد یاس، ش ۱۱.
۱۱. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۸۸)، وسایل الشیعه، ج ۱۱، تهران: المکتبه الاسلامیه.
۱۲. خرمشاد، محمدباقر (۱۳۸۵)، مردم سالاری دینی، ج ۳، تهران: نشر معارف.
۱۳. خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸)، صحیفه امام، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.

۱۴. خوانساری، جمال‌الدین محمد (۱۳۶۰)، شرح غررالحکم و دررالکلم، با مقدمه و تصحیح: میرجلال‌الدین حسینی ارموی، ج ۲، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۵. دادگر، یدالله و محمدباقر نجفی (۱۳۸۵)، «سرمایه اجتماعی و بازتولید آن در عصر پیامبر اسلام ۹»، مجله اقتصاد اسلامی، ش ۲۴.
۱۶. دارابی، علی (۱۳۸۸)، رفتار انتخاباتی در ایران الگوها و نظریه‌ها، تهران: سروش، چاپ اول.
۱۷. درخشه، جلال؛ افتخاری، اصغر و محسن ردادی (۱۳۹۴)، «تحلیل مضمونی اعتماد در اندیشه آیه الله خامنه‌ای»، جستارهای سیاسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ششم، ش ۳.
۱۸. دشتی، محمد (۱۳۸۲)، ترجمه نهج البلاغه، قم: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین ۷.
۱۹. رشاد، علی‌اکبر (۱۳۸۰)، دانشنامه امام علی ۷ مقاله محمدهادی معرفت، «حقوق متقابل مردم و حکومت»، تهران: مرکز نشر آثار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، جلد پنجم: حقوق.
۲۰. رشاد، علی‌اکبر (۱۳۸۰)، دانشنامه امام علی ۷، «سیاست» مقاله «آسیب‌شناسی حکومت»، سیدصادق حقیقت، به نقل از قزوینی عبدالکریم، بقا و زوال دولت (نظم الغرر و نضالدرر).
۲۱. رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۸۲)، آناتومی جامعه، چاپ سوم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۲۲. روزنامه ایران (خرداد ۱۳۸۴)، مشکلات جمهوری اسلامی ایران از دید کاندیداهای نهمین دوره ریاست جمهوری.
۲۳. زارعی، مرضیه (۱۳۹۵)، ظرفیت‌های اندیشه سیاسی اسلام در تولید سرمایه اجتماعی در ایران معاصر، پایان‌نامه دکترای علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم ۷.
۲۴. زمانی، ناهید (۱۳۹۰)، سایت خبرگزاری مهر، «وجود ۲۵۰۰ فرقه نوظهور انحرافی در کشور»، <http://mehrnews.com/newz/1356138>.
۲۵. سایت رجانویز با عنوان یادمان حماسه ۳ تیر ۸۴/ بخش دوم؛ قالیباف، لاریجانی، هاشمی، کروی، معین و ... چه می‌گفتند؟ <http://www.rajaneews.com/news/77491>
۲۶. سردارنیا، خلیل‌الله، قدرتی، حسین و علیرضا اسلامی (۱۳۸۸)، «تأثیر حکمرانی خوب و سرمایه اجتماعی بر اعتماد سیاسی: مطالعه موردی؛ شهرهای مشهد و سبزوار»، پژوهشنامه علوم

- سیاسی، سال پنجم، ش ۱.
۲۷. شایگان، فریا (۱۳۸۷)، «بررسی عوامل تأثیرگذار بر اعتماد سیاسی»، دانش سیاسی، ش ۷.
۲۸. صبحی، صالح (۱۴۲۵ق)، نهج البلاغه، قم: مؤسسه دارالهجرة، چاپ سوم.
۲۹. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۳ق)، من لایحضر الفقیه، ج ۴، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
۳۰. صرامی، سیف‌الله (۱۳۸۰)، احکام حکومتی و مصلحت، تهران: نشر عبیر.
۳۱. علیخانی، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، مقاله ابعاد فقهی مشارکت سیاسی، اثر: عمید زنجانی، تهران: نشر سفیر.
۳۲. فوکویاما، فرانسیس (۱۳۸۵)، پایان نظم سرمایه اجتماعی و حفظ آن، ترجمه: غلامعباس توسلی، تهران: حکایت قلم نوین.
۳۳. قدیری، روح‌الله (بی‌تا)، بررسی و شناخت روش‌های مطالعه آینده، تهران: مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی، موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
۳۴. قوچانی، محمد (۱۳۸۳)، سه اسلام، تهران: سرایی.
۳۵. کلمن، جیمز (۱۳۷۷)، بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: کویر.
۳۶. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۴)، پیامدهای مدرنیت، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز.
۳۷. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء، چاپ دوم.
۳۸. مشکلات جمهوری اسلامی ایران از دید کاندیدای نهمین دوره ریاست جمهوری ۱۳۸۴ (روزنامه ایران خرداد ۱۳۸۴).
۳۹. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۳)، دروس فلسفه اخلاق، تهران: انتشارات اطلاعات.
۴۰. نائینی، میرزا محمدحسین (۱۳۶۱)، تنبیه‌الامه و تنزیه‌المله، پانویس: سید محمود طالقانی، چاپ هشتم، تهران: شرکت سهامی انتشار.